

سیری اجمالی در کارنامه طب اسلامی

نویسنده: دکتر سیدحسین هاشمی^(۱)

خلاصه:

پس از افول نهضت علمی یونان و اسکندریه، بار دیگر در قرون وسطی علم در حوزه تمدن اسلامی بالیدن گرفت و در بین علوم مختلف، طب نیز شکوفا شد. حدود دو قرن لازم بود تا مسلمانان از طریق ترجمه کتب ملل گذشته قادر شوند در این مسیر علمی قرار گیرند. آنان بواسطه یک دستور دینی از پیامبر عظیم الشان خود، که می فرمود آموختن علم حتی به میزان یکساعت ثوابی معادل هفتاد سال عبادت دارد. و نیز تأکید ایشان بر روی آموختن علم طب، به این علم بسیار جدی تر پرداختند. از طرفی چون محمد (ص) می فرمود آنکس که به طبابت بپردازد ولی از آن علم سررشته‌هایی نداشته باشد و جان بیماران را به مخاطره بیاندازد، نزد خداوند مسئول است، آنان با جدیت به کار آموختن و تحقیقات بدیع در فن پزشکی پرداختند. و در اندک مدتی بدان چنان واقف و مسلط شدند که گوی سبقت را از پیشینیان خود ربودند. در این بین ایرانیان تازه مسلمان شده مانند دیگر رشته‌های علمی و فلسفی از دیگر ملل مسلمان پیشی جستند.

تحقیقات وسیع آنان شامل همه زمینه‌های طبی بود. از یک طرف در کار بهداشت تن و روان می‌کاویدند و از سوی دیگر به چگونگی عملکرد هر یک از اندامها می‌پرداختند و با پشتکار در شناخت بیماریها مطالعه می‌کردند و از جهتی نیز در فنون درمانی و داروسازی به کشفیات تازه‌ایی دست می‌یافتند و حاصل این هادائرةالمعارفهای بزرگی بود که قرن‌ها پس از آنان در دانشگاههای معتبر جهان از جمله اروپا تدریس می‌شد. و آنگاه که تمدن درخشان اسلامی بواسطه حمله مغولان و دیگر حوادث تاریخی رو به افول نهاد، اروپائیان با بهره‌گیری از همین تحقیقات و نوشته‌جات بود که پایه‌گذاری طب نوین را کردند. آنچه که مسلم است تاریخ پزشکی بطور جدی مدیون این دانشمندان بزرگ مسلمان می‌باشد. چیزی که البته خود نیز بدان صریحاً معترف است.

وقتی که طب از دست سریانی‌ها به دست مسلمین افتاد تحقیق و مطالعه در آن جنبه جدی‌تر و دقیق‌تر گرفت. بجای رساله‌های کوتاه علمی که معمول سریانیها بود، دائرةالمعارف‌های جامع طبی بوسیله مسلمین تألیف شد. تحقیقات تجربی و مطالعات بالینی هم البته از نظر دور نماند. مخصوصاً در بیماریهای منطقه‌ایی و محلی

علم طب پس از افول ستاره یونان و اسکندریه در طول قرون وسطی، آنگاه که همگان می‌پنداشتند دیگر علمی فراموش شده خواهد بود، یکبار دیگر در حوزه تمدن اسلامی سر برافراشت. آن هم با چنان نیروی شگرفی که هنوز پس از هزار و اندی سال، پاره‌ایی از ویژگیها و کشفیات مسلمانان مورد استفاده علمای فعلی قرار می‌گیرد. مسلمین پیرو تعالیم پیامبر عظیم الشان خود که فرموده بود علم لابدان بیاموزید که ثوابی بزرگ دارد، به تحقیقات مبسوطی در این شاخه از علم پرداختند.

۱- استاد یار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی

درمانی استان مرکزی - روانپزشک

چون استقرار پیدا کرد و آب خارج نشد، لوله را به ملایمت در ضمن گرداندن آن برگرد خودش از چشم خارج کن. سپس اندکی نمک ترکی اندرابی را در آب حل کرده و کره چشم را از داخل با آن شست و شو کن و از خارج بر روی چشم پنبه آغشته به سفیده تخم مرغ و زیره گرد شده قرار بده. اگر لوله کشیدن آب، در بعضی از اشخاص به سبب سختی چشم نتواند به آن داخل شود باید از نشتری استفاده شود چنین و چنان و بدین روش ... و سپس می گوید با این نشتر تنها باید ملتحمه را بشکافی و با آن نباید بدرون چشم داخل شوی.

و پس از پایان عمل باید برای بیمار بستری استوار فراهم آوری تا در اطاق نزدیک برپشت دراز بکشد و از همه حرکات و سرفه خودداری کند، و خوراکش چنان باشد که ملین طبیعت او شود، و البته نباید سرش را به این سو و آن سو بگرداند، و نوار چشمیند لازم است که تا روز سوم برحال خود باقی بماند. سپس در همین اتاق تاریک نوار را بازکن و چشم بیمار را مورد آزمایش قرار داده و چیزهایی را برای دیدن به او بنما و بار دیگر نوار را ببند تا روز هفتم مریض را به حال خود بگذار و روا نیست که این کارها در هنگام معالجه یا بلافاصله پس از عمل میل زدن صورت بگیرد، بلکه باید این را پیش از آنکه آب به سرعت با نگاه شدید بالا آید انجام ندهی.

پس اگر دُملی عارض شود می بایستی پیش از روز هفتم نوار چشم باز شود و به وسایلی که ورم و دُم را از بین می برد به درمان آن بپردازد. و چون ورم از میان رفت، دیگر چشم نباید بسته باشد، بلکه پارچه تیره رنگ بر روی صورت بیمار بکش و بیمار در زیر همین پارچه در اتاق تاریک چشمانش را باز کند و تمرین کند. سپس تدریجاً می تواند از اتاق تاریک خارج شود و به کارهای خود بپردازد و بدان مُتَعَلِمِ كَحَالِي نیازمند آن است که چندین بار عمل آب مروارید در حضور استاد خود دقیقاً مشاهده کند و آنگاه خود به انجام آن بپردازد.

در سایر رشته های طب هم مسلمین کارهای ابتکاری انجام داده اند. قدیمترین ملاحظات بالینی برای تشخیص و بیان تفاوت بین آبله و سرخک رساله ایی است که محمدبن زکریای رازی نوشته است. پیش از این هیچ طبیب یونانی و یا اسلامی به این نکته ها برنخورده بود. رازی به معرفت تجربی علاقه داشت. می گویند وقتی

تحقیقات مسلمین - و علماء قلمرو اسلام اهمیت یافت در واقع، تحقیقات علماء یهود و نصاری و حتی صائین به تشویق و هدایت مسلمین بود. قدیمیترین رساله ایی که در باب چشم پزشکی هم اکنون در دست است رساله ای است از آن حنین بن اسحق، کثرت شیوع انواع بیماریهای چشم در مناطق واقع در قلمرو اسلام البته سبب عمده بود در جلب توجه اطباء اسلام به چشم پزشکی و علم وابسته بدان. در باب تاریخ چشم پزشکی مسلمین، هیرشبرگ آلمانی رساله جامعی دارد که حاکی است از اهمیت کارهای مسلمین درین باب. یک چشم پزشکی جراح در عهد ملک شاه سلجوقی شهرت یافت بنام ابوروح مهدبن منصور که «زیرین دست» خوانده می شد و کتاب فارسی او «نورالعیون» کتابی جامع و قابل توجه درین رشته در طب بود. چشم پزشکان اسلام در جراحی چشم پیشرفتهای قابل توجهی پیدا کردند. در بین آنها کسانی بودند که آب آوردگی چشم مردی را که یک چشم بیشتر نداشت با اطمینان تمام عمل می کردند.

در بیرون آوردن آب مروارید چشم ابولقاسم خلق بن عباس زهراوی چنین به شاگردانش تعلیم می دهد که ...

برای این کار باید بیمار را در حالی که آفتاب مستقیماً بر او بتابد و چشم سالم او را خوب بسته ایی، چهار زانو در برابر خود بنشان؛ سپس پلک چشم او را (در حالی که چشم بیمار چشم چپ باشد)، با دست چپ خود بالا نگاه دارد اگر چشم راست باشد با دست راست خود این کار را انجام بده؛ سپس لوله مخصوص کشیدن آب را با فاصله ایی به اندازه ضخامت یک میل سترمه دان تا سیاهی چشم، بر سفیدی چشم در طرف گوشه خارجی چشم قرار بده، و آن را بفشار و در ضمن آن را برگرد خودش بچرخان تا وارد سفیدی چشم شود و چنان احساس کنی که به یک جای خالی رسیده ایی - اندازه ای که لوله باید در چشم داخل شود، برابر با فاصله از مردمک تا کنار عنقیه باشد که اکلید چشم نام دارد؛ خود لوله را از میان مردمک در ضمن فرو رفتن خواهی دید و این به سبب شفافیت غشاء قرنیه چشم است. سپس لوله را بر بالای جایی قرار بده که آب در آن است، و چندین بار آن را به طرف پایین فشار بده، اگر آب بلافاصله خارج شود، بیمار در حالی که لوله در چشم دارد چیزهایی را که در مقابل او قرار دارد می بیند. پس اگر آب بالا آمده بار دیگر لوله را پایین ببر و

او بسیار اصرار داشته که در صورت استفاده از داروهای ویژه‌ایی که خود آنها را ساخته است بیماری آبله کاملاً درمان شده و دست کم در انواع شدید بیماری، چشمها آسیب نمی‌بینند.

امروزه پی برده‌اند داروی پیشنهادی رازی از گل میخک قوی‌ترین اثرات میکروب کشی را دارد و هم اکنون در پیشرفته‌ترین مراکز دندان پزشکی جهان، برای پوشش زیرین عاج دندان قبل از پرکردن آن از این عصاره استفاده می‌کنند. (۳)

در تغذیه از شاهکارهای بزرگ رازی تألیفی است بنام منافع الاغذیه و مضارها که یک دوره کامل بهداشت غذایی است.

در کتاب آبله و سرخک طی فصول چندی دستورهای غذایی و نسخه‌های دارویی را با شرح کامل برای جلوگیری و درمان و پس از درمان داده است، که بی‌نهایت علمی است.

یک دائرةالمعارف طبی دیگر که بوسیله مسلمین تألیف شد عبارت بود از کامل الصناعه محبوسی - علی بن عباس اهوازی که طب ملکی هم خوانده می‌شد، و بنام ملک دیلمی عضالدوله تألیف شده بود. اثر مجوسی در اروپا شهرت یافت و پنج قرن و مرجع مهمی بود.

تأثیر مجوسی در پیشرفت طب قابل ملاحظه بود و توضیحی که از سیستم عروق شعریه کرده بود از جهت تاریخ علم بسیار اهمیت داشت. (۱) اما عظیمترین اثر علمی در طب اسلامی قانون ابن سینا بود که نیز دائرةالمعارف طبی است و نویسنده آن معالجاتی را بیان می‌کند که حتی امروز نیز از بعضی وجوه بسیار جالب است. ترجمه لاتینی این کتاب در اروپا چاپ شده و طولانیتر از هر کتاب دیگری و به منزله انجیلی مقدس برای اطباء تلقی می‌شده است. چنانکه در قرن شانزدهم بیش از بیست چاپ از آن وجود داشته است.

او در قانون خود به عنوان نخستین کسی که از عصب سه قلو سخن می‌راند و نیز بیماریها و درمان انواع آن بیماریها را درباره این عصب شرح می‌دهد، شایستگی علمی خود را می‌رساند، (۵) او اولین کسی است که سخن از فیزیولوژی اندامهای بدن می‌راند و نیز شرحیاتی پیرامون شناخت و درمان بیماریهایی از جمله آسم، انواع بیماریهای قلبی و عروقی، شکسته‌بندی، اسهالهای مزمن،

خواست در بغداد بیمارستان بسازد، قطعه‌های گوشت در محله‌های مختلف شهر آویخت و جایی که کمتر در گوشت آثار فساد پدید آمده بود آنجا بیمارستان ساخت. (۱)

کتاب الحاوی او بزرگترین و جامعترین کتابی است که در قدیم یک طبیب توانسته است بوجود آورد و در واقع یک دائرةالمعارف بزرگ پزشکی است، شامل احوال و تحقیقات اطباء یونان، ایران، هند، عرب و سریانیها، بعلاوه تجارب شخصی در باب بیماریهای مختلف ترجمه اولین آن جزء کتب درسی طب بوده است و کثرت چاپهای آن در اروپا حاکی است از تداول و نفوذ کتاب.

با نگاهی گذرا به کتاب الحاوی او خواهیم دانست که طبیب به درکی عمیق از بیماریها و درمانهای آنها رسیده بود. بطوریکه من باب مثال انواع سردردها را بدرستی اطباء امروزی می‌شناخته و برای هر یک درمانهای ویژه‌ایی را توصیه می‌کند که هم امروز نیز مقبولیتی تام دارد.

در عدالبول (دیزاوری)، سرفه‌های مقاوم به درمان، سسکه‌های شدید و تبهای دماغی، زکام، سل ریوی، بیماریهای گوارشی نیز اطلاعاتی مسبوط داشته و درمانهای جایزی را توصیه می‌کرده. در مورد سسکه‌های قلبی و مغزی با خدایت چشم‌گیری به بیان علت پرداخته است و تبهای تیفوئید و تیفوس (مطبقه و محرقه) را درمان می‌کرده است. (۲)

در مورد آبله و سرخک که خود رساله‌ایی تام نگاشته است. در بیماریهای پوستی و عفونتهای طفیلی، بیماریهای روانشناختی، سنگهای مثانه و کلیه نیز نظریات جامعی دارد. چنانکه با روشهایی خاص و آلات و ادواتی ویژه به اعمال جراحی بزرگی مثل درآوردن سنگ از کلیه می‌پرداخته است (۶) او اولین کسی است که از روده تابیده گوسفند نخ بخیه می‌ساخته و بکار می‌برده است. و نیز در رساله او در مورد سل مفصلی انگشتان و درمان آن اولین اشاره به این بیماری است تا زمان خودش، رازی می‌گوید خراج تابع اخلاق نفس است و طبیب جسم باید طبیب نفس هم باشد. این اعتقاد او را به علم روانپزشکی و تأثیرات روحی و روانی در درمان می‌رساند.

در داروسازی پس از کشف الکل و جوهرگوگرد (اسیدسولفوریک) فصل جدیدی در علم روانشناسی اسلامی می‌گشاید.

مربک می‌بایستی روی آورد. (۳)

در کتاب دوم و کتاب پنجم قانون شیخ در باب داروهای مفرد و مرکب یک به یک و مفصلاً توضیح می‌دهد که بسیار اعجاب‌آور است.

او از خواص دارویی گیاهان و سنگها و امثالها چنان سخن می‌راند که هم امروز نیز مطالب آن برای داروشناسان تازگی دارد.

قریب هشتصد قلم ادویه مفرد را بترتیب حروف ابجد در قانون شرح می‌دهد. او معتقد است علاوه بر داروهای فوق، بیمار حتماً می‌بایست از غذاها و ادویه نامناسب پرهیزد و حمام گرم و حمام آفتاب نیز به سیردرمان در بعضی بیماریها کمک می‌کند. (۸)

اطبای اسلامی اندلس هم در پیشرفت طب سهم بسزایی داشته‌اند. ابن رشد اندلسی حکیمی معروف بود که نشان داد یک تن دوبار آبله نمی‌گیرد. چنانکه ابن‌الخطیب اندلسی (متوفی ۷۷۶) شهود به لسان‌الدین که مخصوصاً نزد مسلمین به عنوان ادیب و شاعر و مورخ شهرت دارد و در تاریخ غرناطه و احوال امراء و ادباء اندلس تألیفاتش مشهور است و در طب نیز تبحر داشت، در دوره طاغوتی که اروپا و آسیا معروض این مرگ سیاه موحش شده بود در رساله طاعون خویش نشان داد که این بیماری واگیرست و در اثبات سرایت آن برای اقناع مخالفان نوشت ساری بودن بیماری از اینجا معلوم می‌شود که این بیماری را هرکس بگیرد، اطرافیان وی هر آن کسی که در این ماجرا با وی ارتباط داشته باشد دچار آن می‌شود. و هرکس با او تماس نداشته باشد مصون می‌ماند چنانکه نیز از راه لباس، ظرف گوشواره هم بیماری از یکی به دیگری منتقل می‌شود. ابن‌النفیس دمشقی که او را ابن‌ابی‌الحزم نیز می‌خوانند حرکت خون را در ریه بیان کرد و بدینگونه قرن‌ها قبل از سرویگوس اسپانیایی که او را کاشف واقعی دوران دم می‌دانند وی به این نکته پی برد. (۱) در جراحی نیز کارهای مسلمین جالب بود که از جمله الزهرای ابتکاری داشت که در اشاره به کتاب‌التعریف وی بدان اشارتی شد. وی را در اروپا بنام Albucacis می‌خوانند.

مسلمین در بعضی رشته‌های طب تحقیقاتی کردند که بی‌سابقه بود چنانچه اگر بخواهیم بدان اشاره کنیم کتابهای زیادی بایستی نوشت. آنها اولین کسانی بودند که تحقیقاتی اساسی راجع به جذام کردند. فرق بین آبله و

جذام و دیگر بیماریهای عفونی و ... می‌دهد. در رساله پارسی رگ‌شناسی، به چهل نوع نبض اشاره می‌کند و هریک را مفصلاً توضیح می‌دهد او می‌گوید نبض یک توازن و تناسب موسیقایی دارد و با عدم تعادل این موسیقی می‌بایست پی به نوع بیماری عروق برده شود. (۵) در آسم نظریات شکیل و منطقی او هم اکنون نیز مسجل است. او به سه مرحله تداوم سل ریوی اشاره می‌کند و نیز درمانهای قابل قبولی را پیشنهاد می‌نماید که امروزه اثرات آنها به اثبات رسیده است. در مورد بیماریهای عفونی معتقد به انتقال از طریق آب و هوا و وسایل شخصی بیمار بوده است و روشهای دود دادن و قرنطینه را توصیه می‌کرده است.

در درمان اسهال طی شرح مبسوطی از خواص پنیر بز و آب پنیر سخن به میان می‌آورد. روشی که امروزه در تهیه داروهای ضداسهال رعایت می‌شود. چه ماده اصلی مشترک در این دو روش همانا اسیدلاکتیک است که نظر نهایی شیخ نیز بوده است. (۵)

او می‌گوید: بهترین غذای کودک شیر مادر است و سپس بحثهای کاملی در زمینه طب اطفال می‌کند که به حقیقت او را می‌توان پایه‌گذار طب اطفال نامید. در ورزش و بهداشت و پیشگیری بیماریها معتقد به اثر تعیین کننده آنها است. می‌گوید آب، مسکن، هوا و استحمام در سلامتی آدمی بسی دخیلند. او پرهیز از سکونت در مجاورت ماندابها را توصیه می‌کند و می‌گوید مسکن شخص باید در مکانی آفتابگیر و هواگیر باشد. در جراحی مکرراً توصیه می‌کند که حتماً لازم است وقت بستن موضع عمل آن را با شراب شستشو بدهند. (۶)

شیخ اولین کسی است که به بخیه اعصاب پرداخته است و در شکسته‌بندی به روش کشش‌های طویل‌الموت اعتقاد داشته و در این زمینه توصیه می‌کند با داروهای آرام‌بخش و مسکن بیمار را از دردهای طاقت‌فرسا برهانند. (۷)

در سرطان عقیده داشت که در صورت امکان واجب است غده سرطان باعمل جراحی بیرون آورده شود. (۳)

ابوعلی سینا روش درمانی‌اش را برپایه اجتناب از ادویه و پرهیز از غذاهای مضره می‌گذارد. شیخ اشاره می‌کند در صورتیکه این روش به سلامت نیانجامد آنگاه با غذاهای دارویی و در صورت عدم حصول شفا به داروهای

فرانکفورت قانون ابن سینا و قسمتی از المنصوری رازی جزو برنامه‌های رسمی مدارس طب بوده است. در قرن هفدهم در فرانسه و آلمان هنوز اطبایی بودند که برمبنای طب عربی کارشان را انجام می‌دادند.

از روشهای چشم پزشکی ترجمه تذکرة الکحالیین علی بن عیسی بغدادی و بعضی دیگر از کحالان اسلامی هنوز تا اواسط قرن هجدهم در انگلستان مقبول بشمار می‌آمد. بعضی از انواع آب آوردگی چشم را در انگلستان تا ۱۷۸۰ و در آلمان حتی تا ۱۸۲۰ هنوز از روی شیوه جراحان اسلامی عمل می‌کردند. (۹) شاید امروز بعضی چنان پندارند که نظریه بهداشت به وسیله ورزش یک تئوری جدید است در صورتیکه ابن سینا در کلیات قانون در این باب به تفصیل و تدقیق سخن گفته است. همانطور که اشاره رفت به عقیده‌ای ورزش چنانچه مطابق دستور و در موقع خود انجام شود ممکن است جای علاج را بگیرد. ابن سینا انواع ورزشها را از شدید و خفیف شرح می‌دهد و توصیه می‌کند که ورزش گونه‌گون باشد و در آن نباید دایم به یک نوع خاص اکتفا کرد. بعلاوه هر نوع مزاج و هر درجه از صحت نیز مقتضی ورزش خاصی است که برای نوع و درجه دیگر مناسب نیست. (۵)

درست است که احترام شخص میت - در اسلام و همچنین در آیین مسیح - تشریح و قطع عضوی را تجویز نمی‌کنند، اما گهگاه بعضی امکانات اتفاقی و غیر مترقبه مطالعه در اندامها و استخوانها را برای آنها تسهیل می‌کرد، فی المثل یک جا توده‌های کثیر استخوان که در محلی در بیرون شهری پیدا می‌شده است برای یک طبیب فرصتی پیش می‌آورده است برای بررسی در استخوان بندیها.

با اینهمه، مشکلی را که منع تشریح انسانی برای پیشرفت طب اسلامی پیش می‌آورد، مطالعات بالینی بیمارستانها تا حدی جبران کرده است. بیمارستان را مسلمین با حذف جزو اول نام فارسی آن به شکل مارستان ظاهراً از ایران عهد ساسانی اخذ کرده‌اند از بیمارستان جندی شاپور. بیش از سی بیمارستان مشهور را در قلمرو اسلامی ذکر کرده‌اند که در واقع مراکز علمی بوده‌اند و بهداشتی. حتی بعدها بیمارستانهای سیار هم تأسیس شد که شامل ادویه و اشربه جهت بیماران دور افتاده بود. (۳) در این مورد نیز به غیر مسلمین هم مثل مسلمین توجه

سرخک را اول بار ملتفت شدند. درباره مامایی و قابلگی خیلی بیشتر از یونانیها مطالعه کردند. همچنین در استعمال بعضی از ادویه و پاره‌یی وسائل معالجه سابقه آنان محقق است.

مثلاً در همان کتاب التصریف الزهراوی اشاره به بیش از یک صد وسیله ابتکاری کرده است که با آنها به اعمال جراحی می‌پرداخته است.

پزشکان اسلامی در معالجه بسیاری بیماریها بر لزوم استفاده از طبیعت مریض، مخصوصاً تأکید می‌کردند. در ترکیب ادویه، درست کردن شربت‌ها، مرهمها و معجونها مهارت کم نظیر نشان داده‌اند. (۳) برخی معالجات آنان در امراض جسمانی و روحی ابتکاری بود. ابن سینا در معالجه یک بیمار که به نوعی شخصیت مضاعف مبتلا بود و خود را گاو می‌پنداشت طریقه‌ایی جالب بکار برد که در چهار مقاله آمده است. ابوالبرکات بغدادی مایخولیای بیماری را که تصور می‌کرد خمره‌ایی بر روی سر دارد با لطف و ظرافت طوری علاج نمود که بیمار یقین کرد که خمره را طیب شکسته است. ابن زهراندلسی بیوست مزاج را بوسیله انگوری معالجه می‌کرد که تاک آن را با آبی که دارای دوی مسهل بود آبیاری کرده بود. در باب خرد کردن سنگ متانہ ابوالقاسم الزهراوی شیوه خاصی داشت و نیز رازی به روش آن اشاراتی دقیق دارد و این کار را براحتی انجام می‌داده است. (۱)

در جراحی از اهمیت دوی بیحسی واقف بودند و در عملهای دردناک اول بیمار را با بذرالبنج بیحس می‌نمودند و بعد از آن به عمل کردن وی مبادرت می‌کردند. بسیاری از اطبای اسلامی به تجارب شخصی اهمیت بسیار می‌دادند. (۹)

می‌توان در این راه به علاقه رازی به ضبط مشاهدات بالینی که حاجت به تذکر نداشت اشاره کرد. وی به استناد تجارب شخصی خود مکرراً با متقدمان به مخالفت پرداخته است. تجارب شخصی ابن سینا هم در قانون مکرراً ذکر شده است.

یوحنا بن ماسویه و حبة... بن سعید که تربیت یافتگان طب اسلامی‌اند، بارها تأکید کرده‌اند که آنچه با تجربه منطبق نباشد معقول نیست (۱) طب اسلامی این زیادی به گردن طب اروپا دارد. حتی مدتها بعد از رنسانس هم در اروپا از طب اسلامی استفاده می‌شد. در سال ۱۵۸۸ در

نماید بدون علم و آگاهی، نسبت به سرنوشت بیمار مسئول و ضامن است، عمل می نمودند. و بطور کلی تقریباً در تمام کتابهای طبی فصل ویژه‌ای راجع به این مهم سخن رانده‌اند که ارزش اخلاق را در طب آنان می‌رساند. (۱۰)

تقریباً در تمام کتابهای طبی آنان از عالم نمایان و طبیب نمایان سخن گفته شده است و حتی در این باب ضامنهای اجرایی نیز در کار بوده است. (۲) در کتاب التعریف و نیز در کتاب المنصوری فصل ویژه‌ای است که درباره امتحان پزشکان نگاشته شده است. که می‌رساند بکار پرداختن یک طبیب مستلزم اخذ مدرک از مرکز علمی خاصی بوده است، و اساتید ویژه‌ای از اطباء جوان مکرراً آزمایش می‌نموده‌اند و ...

امید است در فرصتهای بعدی بتوان یک بیک جزئیات تجارب این طبیبان دانشمند را بررسی نمود، انشاء...

منابع و مأخذ

- ۱- زرین کوب - عبدالحسین - کارنامه اسلام - امیرکبیر - تهران - ۱۳۴۸ - صص ۲۱۶۰
- ۲- زهراوی - ابوالقاسم خلف - التعریف لمن عجز عن التألیف - مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - ۱۳۷۴ - صص ۱۸-۷۹
- ۳- نجم آبادی - محمود - تاریخ طب در ایران بعد از اسلام - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۵ - صص ۳-۲۲۴ و ۷۶۵-۹۱۱
- ۴- سخنرانی دکتر محمودی در بزرگداشت فرهنگ اسلامی در محل انجمن حکمت و فلسفه در تاریخ مهرماه ۱۳۷۴ - تهران
- ۵- شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا - قانون در طب کتاب اول، انتشارات سروش - تهران - ۱۳۷۰ - صص ۱۲۳-۴۶۱
- ۶- شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا - قانون در طب کتاب دوم - انتشارات سروش - تهران - ۱۳۷۰ - صص ۱۸۵-۲۱۹
- ۷- شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا - قانون در طب کتاب چهارم، انتشارات سروش، تهران - ۱۳۷۰ - صص ۵۴۷-۵۷۰
- ۸- شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا - قانون در طب - انتشارات سروش - تهران - ۱۳۷۰ - کتابهای ۵، ۶ و ۷
- ۹- الگود - سیریل - تاریخ طب در ایران - انتشارات اقبال - تهران - ۱۳۵۲ - صص ۲۳-۴۲ و ۳۹۱
- ۱۰- محقق - مهدی - تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران - انتشارات سروش - ۱۳۷۴ - تهران - صص ۱۲۷-۹۱

می‌شد. مورخین اسلامی اطلاعات مفیدی درباره این بیمارستانها، تعداد اعضاء، مستمریهای اطباء و کارکنان، و بودجه آنها بدست می‌دهند. بیمارستان رازی در ری که خود مؤسس آن بود، تربیتی داشت مبتنی بر سلسله مراتب اطباء، در مواردی که اطباء تازه کار می‌توانستند بیمار را علاج می‌کنند به استاد رجوع نمی‌شد اما بهرحال ملاحظات بالینی را استاد با نهایت دقت جمع می‌کرد. بیمارستان عضدی در هنگام تأسیس بیست و چهار طبیب داشت و شامل چشم پزشکان، جراحان، شکسته‌بندان و پزشکان داخلی می‌شد. در این بیمارستانها دروس طب (اقرا باذین = داروسازی) القاء می‌شد و اطباء کشیک شبانه نیز داشتند. حتی بموجب اطلاعات موجود، مقرری یک طبیب آنجا - نامش جبرئیل بن عبدا... - برای هفته‌ای دو شبانه روز کشیک، ماهانه سیصد درهم بود.

بیمارستانهای اسلامی غالباً مبتنی بر اوقاف اهل خیر بود. برای بیماران روانی نیز بیمارستانهای روانی وجود داشت ابوالعباس مبرور یک بیمارستان روانی را در امیرحزقل بین واسط و بغداد نقل می‌کند که در عهد متوکل دیده است. بعلاوه اطباء کشیک در زندانها آمد و شد داشتند. حتی پرستاران زن هم در موقع لزوم مراقبت می‌نمودند. (۱) در بیمارستان عضدی که هنگام مسافرت ابن جبیر هنوز مثل یک قصر سربرافراشته بود به تمام بیماران دارو و غذای رایگان می‌دادند. صلاح‌الدین ایوبی بیمارستانی ساخت بنام ایوبی. اصدبن طولون در قدیم بیمارستان مجهزی ساخته بود. نورالدین زنگی از قریه یک شاهزاده صلیبی بیمارستان مجهزی ساخت در دمشق. در بیمارستان منصوری که سلطان قلاوون احداث کرد غیر از وسائل و اسبابی که برای تفریح یا استفاده بیماران فراهم بود، به بیمارانی که مبتلاء به بیخوابی بودند هم موسیقی ملایم عرضه می‌شد و هم قصه‌های قصه گوین - بعلاوه، به بیماران بی‌بضاعت مبلغی هنگام خروج هزینه راه داده می‌شد. حتی در اداره و ترتیب بیمارستانها و اوصاف و شروط آن نیز مسلمین کتابهایی تألیف کردند. در واقع، ترتیب همین بیمارستانها بود که بوسیله اطباء و علماء فرانسه و ایتالیا تقلید شد و بیمارستانهای امروزی اروپا از آن بیرون آمد (۳) در اخلاق پزشکی روش مسلمین بر منبای آن حدیث نبوی که می‌فرمود طبیب تا آگاهی کامل از طب نداشته باشد نباید در امور طبی مداخله کند و اگر مداخله